



بررسی انتقادی سیاست جنایی تقنینی افساد فی الارض

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۱۵)

آرش نافیان‌دهکردی

چکیده

هر جامعه برای حفظ بقای خود ناچار باید با متخلفان برخورد کرده و آنها را مجازات کند. در گذشته مجازات‌ها صرفاً جنبه فردی داشت و توسط خانواده یا قبیله اعمال می‌شد. یعنی بحث عدالت «سیاست» مطرح بوده است. با پیشرفت جوامع و دستیابی آنها به قانون اساسی، قانون اساسی در بدو امر، سخن از بافت سیاسی و حکومتی داشت. لیکن به تدریج معقول و کامل شد تا جایی که تمامی جوانب، حقوق، سیاست و جزئیات جامعه را در بر گرفت و اینجا بود که قانون اساسی حاوی خطوط سیاست جنایی نیز گردید. برای سیاست جنایی معنای متعددی ذکر شده است، لکن هر معنایی در زمره سیاست کلان، هماهنگی و انسجام میان عناصر و مولفه های آن می‌باشد. اگر سیاست جنایی را به منزله تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است، زیرا به هر حال در مقابل جرم، واکنش خاصی داشته است. حتی «عدم واکنش» نیز خود نوعی سیاست جنایی است. اصطلاح «سیاست جنایی» با قدمتی نزدیک به یک قرن و رویکردی کلان به پدیده مجرمانه، زیر بنای پاسخ‌های گوناگون در برابر جرم است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، مفسد فی الارض، محاربه، تبعید، افساد



بخش اول: بررسی انتقادی سیاست جنایی تقنینی افساد فی الارض بند اول: جهت گیری سیاست جنایی تقنینی جرم «افساد فی الارض»

در این فصل برآنیم جرم «افساد فی الارض» را در پرتو قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران بررسی کنیم تا مشخص شود که منظور از «افساد فی الارض» در قوانین موضوعه چیست و تعریفی که قوانین موضوعه از آن ارائه کرده اند بر چه مبنایی است تا با روشن شدن عناصر تشکیل دهنده جرم (قانونی، مادی و معنوی) بتوان احکام و قواعد حاکم بر آن جرم را مشخص کرد. به همین خاطر ابتدا در مبحث اول این فصل رویکرد قوانین خاص جزایی در قبال «افساد فی الارض» را می آوریم. این قوانین عبارتند از: قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۸/۳، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵، قانون مجازات اخلال گران اقتصادی مصوب ۶۹/۹/۱۹، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس معجول مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۹، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۹، قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳، قانون مجازات فعالیت کنندگان غیر مجاز در امور سمعی و بصری مصوب ۱۳۸۶ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۴/۲۸، که در این قوانین بعضاً عنوان «افساد فی الارض» آمده و مرتکب آن را شایسته مجازات دانسته شده است. و در ادامه در مبحث دوم این فصل به طور تفصیلی به «افساد فی الارض» در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ خواهیم پرداخت.

بند دوم: رویکرد قوانین خاص جزایی در مورد جرم «افساد فی الارض»

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم مشروطه سلطنتی، مجدداً امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مساله قضاوت و دادرسی مبتنی بر فقه اسلامی شد و از همان اوان انقلاب کوششها برای جلوگیری از اجرای قوانین موضوعه خلاف شرع اسلام و تطبیق سیستم جزایی موجود با قوانین اسلام آغاز گردید؛ ضمن آنکه دادگاههای انقلابی تشکیل و به اجرای حکم «مفسد فی الارض» در مورد منافقین و سلطنت طلبانی که به افساد خود لجاجت می ورزیدند



اقدام می نمود. و به تدریج که از عمر انقلاب می گذشت زمینه ایجاد یک سیستم جزایی بر پایه عدل اسلامی توسط قضات عادل و آشنا به مقررات فقهی صورت پذیرفت و در قانون اساسی نیز به این امر تاکید می شد^۱ و گامهای موثری در جهت اسلامی کردن امر قضا و قوانین مدون جزایی برداشته شد، که از آن جمله تصویب قوانین جزایی موقت تحت عنوان قانون مجازاتهای اسلامی شامل حدود، قصاص، دیات و تعزیرات مصوب سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی را می توان نام برد.^۲ حد «افساد فی الارض» هم یکی از عنوانهای فقهی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای فرایند اسلامی سازی حقوق و ایجاد سیستم جزایی اسلامی، وارد سیستم عدالت کیفری کشورمان شد. قبل از پرداختن به جهت گیری سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرم «افساد فی الارض» یا به عبارت دیگر بررسی تفصیلی جرم «افساد فی الارض» در نظام کیفری کشور عزیزمان ایران، لازم دانستم در ابتدای فصل سیر تحول قانونگذاری در قبال «افساد فی الارض» و اینکه «افساد فی الارض» طی چه فرایندی وارد نظام کیفری ایران شد بطور خلاصه ذکر کنم.

بخش دوم: سیر تحول قانونگذاری

در سال ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی به اتکای اصل هشتم و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لایحه قانون حدود و قصاص را مورد تصویب قرار داد و جهت کسب نظر به شورای نگهبان ارسال نمود. شورای مذکور تعریف مندرج در ماده ۲۰۱ این لایحه را مورد ایراد تشخیص داد چرا که در این ماده آمده بود: «هر فرد یا گروهی که با توجه و آگاهی، دست به عملی زند که سلامت نظام جامعه اسلامی را در قسمتی از زمین به خطر اندازد، مفسد فی الارض است.» ایراد وارده بر این ماده به این نحو بود که: ماده ۲۰۱ حذف شود و مصادیق لازم را به عنوان موادی صریحاً ذکر نمایند از قبیل تشکیل مراکز فساد و عشرتکده و امثال آن از تهیه و فروش مواد مخدر در حد زیاد که موجب فساد جامعه شود.»

^۱ - اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب قوانین چنین می گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد...»

^۲ - نعاکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۹.



البته از آنجایی که جرایم ضد انقلابی از جرایم عمدی، تفکیک شده بود و رسیدگی به جرایم ضد انقلاب در صلاحیت دادسرا و دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفت و از طرفی در قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱ جرم «افساد فی الارض» تعریف نشده بود لذا رسیدگی به جرایم مرتبط با «افساد فی الارض» طی بخشنامه های صادره از طرف شورای عالی قضایی در صلاحیت دادسرا و دادگاههای انقلاب قرار گرفت.^۱

بند اول: قانون مبارزه با مواد مخدر

در ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۶/۳ چنین آمده بود: «مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه های بعدی به ترتیب دو و نیم و سه و نیم و ... برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود، مجازات شلاق برای بار دوم به بعد حداکثر ۷۴ ضربه است.

در موارد مذکور در فوق چنانکه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از پنج کیلو گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا می گردد....»

در ماده ی ۹ همین قانون نیز چنین آمده بود که: «مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای یک تا پنج ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند، و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند، و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود مجازات شلاق برای بار دوم به بعد حداکثر ۷۴ ضربه است در مرتبه چهارم چنانچه مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام انجام خواهد یافت. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد

^۱- شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه آسایش عمومی)، جلد سوم، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۹۳،



مرتکب به بیست تا سی میلیون ریال جریمه نقدی، ۱۰ تا ۱۵ سال حبس با هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.^۱ چنانچه ملاحظه شد قانونگذار در قانون اخیرالذکر قصد داشته که عمل مرتکبین قاچاق مواد مخدر را نوعی «افساد فی الارض» عنوان نماید و لیکن تنها اعدام در مواد ۶ و ۹ این قانون در حکم «افساد فی الارض» معرفی شده و سایر اعدامهای عنوان شده در این قانون تحت عنوان مذکور بیان نشده است. ولی به هر حال در این مواد نه «افساد فی الارض» تعریف شده و نه قاچاق مواد مخدر به عنوان «افساد فی الارض» معرفی شده است و تنها تحت شرایطی بعضی از اعمال را که بیان داشتیم را در حکم «افساد فی الارض» می‌داند.^۱

بند دوم: قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ آمده است:

«کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق «مفسد فی الارض» باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.» در این ماده چنین بیان گردیده است که اگر اعمال مذکور صدق عنوان «افساد فی الارض» کند شخص «مفسد فی الارض» خواهد بود، فلذا تعیین «افساد فی الارض» بودن اعمال مذکور در ماده را به عهده ی قاضی گذاشته، اما اینکه قاضی با کدام معیار اعمال صورت گرفته را مصداق «افساد فی الارض» بداند مشخص نگردیده. و چنانچه ملاحظه می‌شود در این قانون نیز قانونگذار نه تنها «افساد فی الارض» را تعریف نکرده بلکه «صدق عنوان افساد فی الارض» بر اعمال مذکور را به عهده قاضی گذاشته، که این خود موجب سر در گمی و همچنین صدور آراء متفاوت از محاکم و قضات خواهد

^۱ - نغناکار، مهدی، همان، ص ۴۷.



گردید. همچنین منظور مقنن از «مصادق مفسد فی الارض باشند» صدق عنوان محاربه نیست به دلیل اینکه عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرایم مذکور در ماده هیچ گونه شباهتی با ارکان جرم محاربه ندارد. بنابراین مقصود مقنن احتمالاً آن است که هرگاه ارتکاب جرایم مالی فوق در سطح وسیع صورت گرفته و با قصد ایجاد اخلال در نظام اقتصادی حکومت اسلامی، فتنه گری و سست کردن پایه های نظام باشد چنین شخصی مصداق عنوان «مفسد فی الارض» بوده می توان او را اعدام کرد.

بند سوم: قانون اخلال گران اقتصادی

در مواد ۲۱ و قانون مجازات اخلال گران اقتصادی مصوب ۶۹/۹/۱۹ چنین آمده است:

ماده ۱. ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می شود و مرتکب به مجازات های مقرر در این قانون محکوم می شود؛

الف: اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.

ب: اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی های مذبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.

ج: اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اخلال در سیاستهای تولیدی کشور شود و امثال آنها.

د: هرگونه اقدام به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می گردد.



ه: وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.

و: اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تادیه آن و تقلب در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و...

ز: تاسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، موسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا به نحوی که اعضای جدید برای کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد.

تبصره- قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق الذکر علاوه به ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارت وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می تواند حسب مورد، نظر مرجع ذی ربط را جلب نماید.

تبصره- پرونده هایی که قبل از تصویب این قانون تشکیل شده است برابر قوانین قبلی رسیدگی می شود.

ماده ۲: هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مذکور چنانچه در حد «فساد فی الارض» باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

در ماده ۲ قانون اخلال گران اقتصادی همان طوری که ملاحظه می شود قانونگذار تنها بسنده کرده است به عنوان «افساد فی الارض» بدون آنکه این جرم را تعریف کرده باشد. و اینکه تصمیم گیری در مورد تطبیق عمل صورت گرفته با این عنوان بر چه معیار و اساسی خواهد بود مشخص نگردیده است. درباره این مواد و طرز انطباق آن با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در مبحث بعدی توضیح خواهیم داد.



بند چهارم: قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

در مواد متعددی از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۹ جرایمی به عنوان محاربه قلمداد شده است. و حال آنکه جرایم مذکور هیچ گونه سختی با جرم محاربه ندارد. مثلا در ماده ۲۳ قانون مذکور آمده است: «هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار را تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد به مجازات محارب و الا به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.» گفته شده است چنین توسعه ای در مفهوم محارب توجیهی ندارد مگر اینکه گفته شود یا مقنن از نظر فقهایی پیروی کرده که «صرف اخلال به امنیت عمومی» را محاربه می دانند و یا آنکه مرتکبان اعمال فوق را از آن جهت به مجازاتهای سخت محکوم کرده است که آنها «مفسد فی الارض» می باشند. احتمال نخست یعنی پیروی مقنن از دیدگاه تحقق محاربه با هر عمل مخل به امنیت عمومی صحیح نیست، زیرا در آن صورت حتی اگر قصد مرتکب مقابله با نظام یا شکست جبهه خودی نیز نباشد، باز هم محارب است، زیرا امنیت عمومی را به خطر افکنده است. در بسیاری دیگر از مواد قانون مزبور، مقنن مجازات محارب را بر مرتکب اعمالی مترتب دانسته است که در آن نه عنصر «اسلحه کشیدن» وجود دارد و نه «قصد اخافه و ایجاد رعب و وحشت». مواد ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۵۱، ۶۱ تا ۶۴، ۷۱ تا ۷۳، ۸۰ تا ۹۲ از این قبیل مواد است. دقت در مضمون مواد مذکور و مواد متعدد قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نشان می دهد که جز در برخی موارد خاص مانند ماده های ۲۲، ۴۳ و ۹۳ که این موارد را هم به زحمت می توان مشمول عنوان محاربه مصطلح دانست، در بیشتر مواردی که مقنن مجازات محارب را منظور داشته، عمل ارتكابی مصداق «افساد فی الارض» و گاه بغی است تا محاربه. لذا یادآوری این نکته لازم است که مطابق تعاریف به عمل آمده از محاربه و افساد، هرگاه شخص نظامی با به کار بردن سلاح موجب سلب امنیت عمومی و ایجاد رعب و وحشت گردد، عمل او را باید



مصادق محاربه دانست. در صورتی نیز که عمل مرتکب به قصد افساد و اخلال در نظام باشد، به گونه‌ای که عمل او مصادق «افساد فی الارض» باشد، عنوان عمل «افساد فی الارض» است.^۱

گفتار هفتم: قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزها
مادهٔ یک قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴، مقرر می‌دارد: «هرکس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفرهای ذیل محکوم خواهد شد:

الف) در صورتی که عمل عبور دهنده محل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی الارض نباشد به حبس از ۲ سال تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد...».

اینکه در این ماده مقصود مقنن از به کار رفتن عنوان محاربه و «افساد فی الارض» چیست؛ چنین به نظر نمی‌آید که منظور قانونگذار محاربه مصطلح باشد چرا که نوعاً قاجاق انسان فاقد عنصر به کارگیری اسلحه به قصد ایجاد رعب و وحشت است. دکتر هوشنگ شامبیاتی نیز همین اعتقاد را دارد ایشان در این رابطه چنین اعتقاد دارند که: قانونگذار اسلامی برخی از جرایم را به جرم محاربه و افساد فی الارض تعمیم داده و مرتکب را به محاربه محکوم می‌نماید در حالیکه برخی از آنها با تعریف ارائه شده برای محاربه سازگاری ندارد. ایشان پس از ذکر این مطالب مواردی را بیان می‌کنند که با وجود اینکه قانونگذار از محاربه و افساد فی الارض استفاده کرده ولی به هیچ وجه ارکان خاص جرم محاربه و افساد فی الارض در این جرم وجود ندارد که یکی از این موارد قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور می‌باشد.^۲

^۱ - گلدوزیان، ایرج و همکاران، افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران، منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر (www.haghgostar.ir)، ص ۶.

^۲ - شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج سوم (جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجلد ۱۳۸۸، ص ۵۵. به نقل از بای، حسینعلی، همان، ص ۴۷.



بنابراین در قاچاق انسان قصد قاچاقچیان منافع اقتصادی و حداکثر تضعیف نظام اسلامی است که در این صورت هرگاه عمل قاچاقچیان دختران و پسران کم سن و سال حتی بزرگسالان موجب ایجاد فساد گسترده ای گردد، مرتکب مصداق «مفسد فی الارض» است.^۱

گفتار هشتم: قانون تشدید مجازات محکومان و گرانفروشان

قبل از پرداختن به این مطلب که در چه صورتی محکومان و گرانفروشان مصداق «مفسد فی الارض» بوده و به مجازات اعدام محکوم می شوند لازم است که تعریف این دو عنوان «احتکار و گرانفروشی» را از نظر بگذرانیم.

بر اساس ماده یک قانون تشدید مجازات محکومان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ محکوم و گرانفروش را چنین می توان تعریف کرد:

الف) محکوم: محکوم کسی است که ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم از قبیل گندم، جو، کشمش و... را به قصد افزایش قیمت جمع و نگهداری کند.

ب) گرانفروش: گران فروش نیز کسی است که کالا را بیش از نرخ متعارف عرضه کند و در مورد کالاهایی که به دست دولت توزیع می شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت عرضه کند.

حال که تعریف محکوم و گرانفروش را هر چند بطور مختصر بیان نمودیم اینک موادی را که بر اساس قانون فوق الذکر مصداق «مفسد فی الارض» می باشد را بیان می کنیم؛

الف: ماده ۵: هر کسی که مرتکب هر یک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از ۲ تا ۵ برابر و برای مرتبه دوم از ۵ تا ۱۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد.

۱. فروش مصنوعات یا فرآورده‌های گران تر از نرخ مقرر.

^۱ - گلدوزیان، ایرج و همکاران، همان، ص ۸



۲. دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زائد بر میزان مقرر.

۳. معامله‌ صوری به نرخ مقرر و به کار بردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر شود.

۴. استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه کیفیت کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد.

۵. عرضه‌ نان معمولی با پخت نامرغوب.

۶. تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری.

۷. انتقال غیر مجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر و منطقه‌ دیگر و فروش آن به اشخاص دیگر.

۸. خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا یا مصنوعات و یا فرآورده‌ها یا خدمات برخلاف مقررات صنفی.

۹. امتناع فرد از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع.

ب) ماده ۶: چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرگاه اعمال مزبور به قصد مقابله با حکومت بوده و بر آن محاربه نیز صدق نماید، مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد. بدیهی است که مقصود مقنن از اینکه «مرتکب مصداق محارب باشد» آن نیست که همزمان با احتکار و گرانفروشی سلاح کشیده و قصد ترساندن مردم را داشته باشد، بلکه مقصود او عمل افساد است؛ بدین معنا که هرگاه گرانفروشی و... به قصد ایجاد بحران و مقابله با نظام اسلامی بوده و آثار نامطلوب گسترده‌ای را به همراه داشته باشد، عمل مصداق «افساد فی الارض» خواهد بود و به مجازات مفسد محکوم خواهد شد.

بخش سوم : قانون مجازات فعالیت کنندگان غیر مجاز در امور سمعی و

بصری

در ماده ۳ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند، مصوب ۱۶/۱۰/۸۶ چنین آمده است: «عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و



بصری غیر مجاز اعم از اینکه مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشند و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه ذیل محکوم خواهند شد:

الف) عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دو صد میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می شوند. چنانچه عوامل فوق الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می شوند.

۱. تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه

۲. تولید کنندگان آثار مستهجن برای سوء استفاده جنسی از دیگران

۳. عوامل اصلی در تولید آثار دیگران ...»

در تبصره یک بند مذکور، عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری به کارگردان، فیلمبردار و یا بازیگران نقشهای اصلی اطلاق شده است. بر اساس تبصره دو نیز تعداد بیش از ده نوار به عنوان «عمده» تلقی شده است. تبصره پنجم نیز آثار سمعی و بصری مستهجن را آثاری تعریف کرده که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی است.

با اینکه ماده مزبور مشخص نکرده است که در چه صورتی عمل مرتکب می تواند از مصادیق «افساد فی الارض» محسوب شود، به نظر می رسد زمانی شخص مفسد فی الارض شناخته خواهد شد که عمل مرتکب فساد گسترده‌ای را در پی داشته باشد که خود عنوان گنگ و قابل تفسیرهای متعدد است.

بند اول : قانون مبارزه با قاچاق انسان

در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۴/۲۸ چنین آمده است که: «چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازاتهای



مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه یا اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود.»

در تبصره ۱ این ماده چنین آمده است که: «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می‌شود.»

در تبصره فوق باز ایرادی که به مواد دیگر نیز شده بود می‌توان وارد ساخت چرا که در این تبصره باز مشخص نگردیده شده که در چه صورتی عمل مجرم می‌تواند مصداق محاربه و «افساد فی الارض» باشد.^۱

با نگاهی به قوانین مورد اشاره، میتوان نتیجه گرفت که قانونگذار ایران، برای شمول عنوان محاربه و افساد فی الارض نسبت به عمل مرتکب، بیش از آنکه به ضابطه «دست به اسلحه بردن» توجه داشته باشد، به «قصد» مرتکب دائر بر مقابله و معارضه با نظام و یا «آثار» ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است، و به عبارت دیگر، یکی از دو ضابطه عینی یا نوعی^۲ و شخصی یا ذهنی^۳ در لطمه زدن به نظام را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است. ضابطه اول در قیودی مثل قیود زیر، که در قوانین مختلف سابق الذکر مورد اشاره قرار گرفته اند، انعکاس یافته است: سببیت برای فساد عامه؛ اخلال در امنیت عمومی؛ افساد و اخلال در نظام، شکست جبهه اسلام؛ اسارت یا تسلیم نیروهای خودی؛ تسلط دشمن بر اراضی، مواضع یا افراد خودی؛ وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی؛ ورود ضربه موثر به نیروهای مسلح؛ تقویت دشمن و نظایر اینها.

بدین ترتیب، هرگاه رفتار مرتکب «در عمل» موجب بروز یکی از نتایج سوء فوق گردد، عمل وی گاه از یک جرم ساده به جرم محاربه و «افساد فی الارض» تغییر ماهیت می‌دهد. از سوی

^۱ - گلدوزیان، ایرج و همکاران، همان، ص ۱۱.

^۲ - objective

^۳ - subjective



دیگر، گاهی با اعمال یک ضابطه شخصی یا ذهنی، مرتکب به دلیل «قصدی» که در ایجاد اخلاق و برهم زدن امنیت، یا مقابله و معارضة با نظام، یا براندازی، یا همکاری با دشمن و نظائر آن داشته است محارب و «مفسد فی الارض» محسوب شده است.

البته، گاهی نیز وجود هر یک از دو ضابطه کافی دانسته شده است. چنانچه تبصره ماده «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح» سابق، مصوب سال ۱۳۷۱ (در مورد تخریب تاسیسات، ساختمانها، استحکامات و وسایل نقلیه نظامی) اشعار می‌داشت: «در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت و ایجاد فساد باشد (ضابطه شخصی یا ذهنی) یا در مواردی که در نتیجه اعمال مذکور لطمات جبران ناپذیری به عملیات نظامی وارد آید (ضابطه عینی یا نوعی) مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.»^۱

بند دوم: عنصر قانونی جرم «افساد فی الارض»

برای آنکه عملی جرم شناخته شود لازم است که قانون قبلاً آن را جرم شناخته باشد و برای آن مجازات تعیین نموده باشد و این اصل مسلم حقوقی است که هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست مگر آنکه قبلاً قانون آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد. پس برای تشخیص اینکه عملی جرم است، نخست باید به قانون مراجعه کرد زیرا مادامی که در قانون حاکم بر جامعه، الزامی اعم از امر و نهی در مورد انجام یا خودداری از انجام کاری وجود نداشته باشد افراد جامعه با توجه به اصل آزادی اراده و اصل براءت و اصل اباحه می‌توانند آن طور که بخواهند رفتار کنند و عدالت کیفری نیز ایجاب می‌کند که برای تعقیب مجرمین، قبلاً حد و مرز اعمال ممنوع و قابل مجازات، مشخص و معلوم شده باشد، تا اشخاص بر اساس آن رفتار خود را تنظیم نمایند و قضات نیز بتوانند بر اساس آن مرتکب را تحت تعقیب کیفری قرار بدهند و پس از محاکمه و ثبوت جرم به مجازات مقرر در قانون حکم کنند. به این ترتیب

^۱ - میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چ ۲۴،



عنصر قانونی پایه و اساس جرم را تشکیل می‌دهد و بدون آن هیچ عملی جرم نیست و هیچ مجازاتی بدون قانون ممکن نیست.^۱

عنصر قانونی جرم «افساد فی الارض» هم بعد از کش و قوسها و تردیدهای فراوان، پس از آنکه قانونگذار ایران بعد از انقلاب همانطور که در مبحث قبل توضیح داده شده، به طور پراکنده در برخی قوانین بدون ارائه تعریف مشخص، متعرض عنوان «افساد فی الارض» شده بود، بلاخره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در ماده ۲۸۶ آن قانون به تعریف جرم «افساد فی الارض» پرداخت. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

بند سوم عنصر مادی جرم «افساد فی الارض»

می‌دانیم برای آنکه جرمی وجود خارجی پیدا کند تحقق عنصر مادی ضرورت دارد. زیرا ابراز فکر برای ارتکاب جرم به تنهایی کافی نمی‌باشد، و اگر سیاست کیفری کشور به صرف قصد ارتکاب جرم، اشخاص را مجرم بداند موجب خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص و تفکرات ایشان تعجسات غیر قابل اغماض به عمل آید و غالباً اشخاص بدون آنکه برای جامعه

^۱ - نعاکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳.



خطرناک باشند مجازات شوند. به علاوه اینکه افکار مجرمان قطعی نیستند چرا که بعضی افراد قصد مجرمانه دارند ولی به نحوی، هرگز آن را به مرحله اجرا نمی گذارند. بنابراین قصد ارتکاب جرم تا هنگامی که مقرون به اعمال خارجی نشده باشد و خللی به نظم اجتماعی وارد نسازد قابل تعقیب نیست.^۱ عنصر مادی جرم را نمی توان تنها شامل رفتاری که از مرتکب سر می زند دانست، بلکه باید گفت که عنصر مادی جرم دارای سه جزء می باشد، که بدون تحقق کامل آنها عنصر مادی به وجود نیامده، و در نتیجه جرم مورد نظر رخ نمی دهد. اولین جزء عبارت است از رفتار فیزیکی، که با توجه به تعریفی که قانونگذار از هر جرم کرده است، می تواند فعل (اعم از کردار یا گفتار) یا ترک فعل باشد.

برای تحقق هر جرمی فعل یا ترک فعل مرتکب باید در شرایط خاص رخ داده باشد که این شرایط ممکن است مربوط به مجرم، قربانی، زمان و مکان ارتکاب جرم، مال موضوع ارتکاب جرم و یا هر چیز دیگر باشد. به علاوه، این شرایط ممکن است ایجابی (وجودی) یا سلبی (عدمی) باشد. سومین جزئی که برای تکمیل عنصر مادی جرم لازم است، وقوع نتیجه مشخص شده از سوی مقنن می باشد. برای مثال، در جرم کلاهبرداری، بردن مال غیر شرط تحقق جرم است بدون تحقق این نتیجه، جرم تام رخ نخواهد داد و مرتکب تنها ممکن است به شروع ارتکاب جرم محکوم شود. بدیهی است تحقق جرایمی که مقنن آنها را مطلق و نه مقید به نتیجه خاص دانسته است نیازی به جزء سوم عنصر مادی ندارد. این جرائم بدون نیاز به منتج شدن فعل یا ترک فعل به نتیجه خاص به وقوع می پیوندند مثل افشای اسرار توسط شاغلین به حرفه های خاص.^۲

با این توضیح مختصر درباره عنصر مادی در ادامه به ترتیب راجع به رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه جرم «افساد فی الارض» به بحث و بررسی خواهیم پرداخت.

۱. رفتار فیزیکی

^۱ - نعاکار، مهدی، همان، ص ۱۴۴.

^۲ - میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چ ۱۱، زمستان ۱۳۹۲،



منظور از رفتار فیزیکی در جرایم، رفتاری است که از مرتکب سر می‌زند، و منتج به نتیجه مورد نظر می‌شود. در مورد ماهیت رفتار مرتکب سه سوال مهم قابل طرح است، اولاً، آیا این رفتار لزوماً باید به شکل مثبت باشد، یا می‌تواند شکل ترک هم به خود بگیرد؟ ثانیاً، آیا مباشرت مرتکب در جرم شرط است، یا به تسبیب هم قابل ارتکاب هستند؟ ثالثاً، آیا ارتکاب جرم با انجام اعمالی که گاه به دلیل اثر غیر محسوس آنها، تحت عنوان غیر مادی یاد می‌شود، هم ممکن است یا خیر؟

در اکثر جرایمی که تحت عنوان «افساد فی الارض» قرار می‌گیرند، عمل مرتکب یا مرتکبین فعل مثبت مادی خارجی است. چنانچه در اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق جعل اسکناس، اوراق و اسناد بهادار، مرتکبین آن از طریق جعل اسکناس رایج کشور و وارد نمودن آن به داخل کشور به صورت عمده و گسترده موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور شده و هدف و غایت اصلی مرتکبین این اعمال، براندازی یا ضرر وارد ساختن به نظام اسلامی است.^۱ در جرم دایر کردن یا اداره کردن مرکز فساد یا فحشا مندرج در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^۲ عمل مرتکب یا مرتکبین فعل مثبت مادی جارجی است ولی تشویق مردم به فساد و فحشا یا موجبات آن را به طور گسترده فراهم آوردن در واقع از مصادیق معاونت در جرم است ولی قانونگذار نظر به اهمیتی که برای این قبیل اعمال قائل شده و این اعمال اگر توسعه و گسترش یابند ممکن است جامعه را به فساد و تباهی بکشاند لذا به آن اطلاق «معاونت در حکم مباشرت داده و مرتکب را به عنوان فاعل مستقل جرم قابل تعقیب و مجازات شناخته

^۱ - شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی - جلد سوم (جرایم علیه آسایش عمومی)، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۹۳، صص ۶۶-۶۷.

^۲ - ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوط بطور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده و یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌شود.»



است^۱ بنا به تصریح ماده ۲۸۶ برای تحقق جرم «افساد فی الارض» لازم نیست حتماً مرتکب شخصاً در ارتکاب جرم مباشرت داشته باشد بلکه معاونت در ارتکاب اعمال مذکور در ماده هم برای تحقق جرم «افساد فی الارض» کافی است. بنابراین «افساد فی الارض» از طریق معاونت (تسیب) هم قابل ارتکاب است و نیاز نیست حتماً از طریق مباشرت باشد. گاهی جرم «افساد فی الارض» ممکن است از طریق ترک فعل، یعنی عمل نکردن به وظیفه یا واجب شرعی صورت گیرد. مثالی برای آن در قوانین و مقررات موضوعه عبارت است از قانون اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹، که در بند (ب) ماده ۱ این قانون بیان شده است: «اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق...»

و در تعیین مجازات برای این اعمال، ماده ۲ این قانون بیان می‌نماید که: «هر یک از اعمال مذکور در بند های ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال...»

چنانچه ملاحظه می‌شود احتکار ارزاق عمومی که خود نوعی ترک فعل است، اگر به قصد ضربه زدن به نظام اسلامی و یا مقابله با آن و یا با علم به این اثر ارتکاب یابد موجب تحقق «افساد فی الارض» می‌باشد، بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود «افساد فی الارض» قابل تحقق از طریق ترک فعل نیز می‌باشد.^۲ تصریح ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به تحقق جرم «افساد فی الارض» از طریق نشر اکاذیب، که می‌تواند به صورت گفتار ارتکاب یابد نشان دهنده این است که جرم «افساد فی الارض» از طریق فعل مثبت غیر مادی (معنوی) هم قابل ارتکاب است. به این توضیح که نشر اکاذیب از طریق «گفتار» که یک فعل مثبت معنوی است اگر به طور گسترده یا به قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اعمال صورت پذیرد، مرتکب به مجازات

^۱ - شامبیاتی، هوشنگ، همان، ص ۶۷.

^۲ - شامبیاتی، هوشنگ، همان، ص ۱۴۶.



حدی «افساد فی الارض» محکوم خواهد شد. فی جمله جرم «افساد فی الارض» از طریق هر گونه رفتار اعم از فعل، ترک فعل، فعل مثبت مادی یا غیر مادی و معاونت در حکم مباشرت قابل تحقق است. لازم به ذکر است که «افساد فی الارض» صرفاً از طریق اعمال و جرایم مذکور در ماده قابل ارتکاب است و ارتکاب سایر جرایم در حد وسیع را نمی توان مشمول ماده و «افساد فی الارض» دانست. لذا مصادیق این جرم حصری اند که در ادامه به بررسی ماهیت تک تک مواردی که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان موضوع جرم یا رفتار فیزیکی جرم «افساد فی الارض» احصاء شده اند خواهیم پرداخت.

الف. جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد

جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص از زمره جرایم خشونت آمیز می باشد. این جرایم علیه جسم و جان، یعنی علیه آنچه که (بر خلاف مال) تنها دارایی واقعی انسان و جزئی از وجود اوست، ارتکاب می یابد. از این رو، از قدیم الایام در نظامهای حقوقی مختلف مجازاتهای سنگینی برای مرتکبان این دسته از جرایم پیش بینی شده است.

اگر جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد به طور گسترده ارتکاب یابد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد شود، یا به قصد حصول نتایج فوق یا با علم به امکان حصول نتایج فوق، ارتکاب یابد، جرم «افساد فی الارض» تحقق خواهد یافت. در ادامه در قسمت شرایط و اوضاع و احوال لازم برای ارتکاب جرم «افساد فی الارض»، در خصوص شرایط فوق الذکر و ابهام آنها مطالبی خواهد آمد. جرم انگاری وقتی جامع است که تمامی جنبه ها و اشکال رفتار مجرمانه را مورد توجه قرار داده و زمانی این واکنش، واکنشی مناسب و جامعی تلقی می گردد که تمامی ابعاد ملی، بین المللی و... آن رفتار هم به صورت منفک و هم مرتبط به یکدیگر مورد امعان نظر قرار گیرند. البته باید مدنظر داشت که این جامعیت اگرچه آثاری چون جلوگیری از تورم قوانین کیفری می تواند داشته باشد، اما ممکن است به جهت تلاش در عدم اغماض نسبت به هرگونه



رفتار مجرمانه مرتبط در عین حال موجب تورم کیفری نیز گردد که می‌بایست مورد دقت قرار گیرد.^۱

ج. جرم انگاری با بیشترین بزه‌دیدگی: جرم انگاری باید تمام جوانب بزه‌دیدگی اعم از بزه‌دیدگی روانی و جسمی را در صورت وجود باید در بر گرفته و متضمن ارائه راهکاری برای جبران آنها باشد توجه به این موضوع در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد. یک بزه‌دیده واحد همواره از جهات متعدد بزه‌دیدگی چون روانی، فیزیکی، حیثیتی، اقتصادی و... آسیب می‌بیند، یک جرم انگاری بهینه می‌بایست تا حد امکان این بزه‌دیدگی‌ها را که معمولاً در قلمرو حقوق جزا، الزامات حقوق جزا نیز آنها را تحدید می‌نماید، مورد عنایت قرار دهد که از این خاصیت گاه تعبیر به «جرم انگاری با حداکثر خاصیت جبرانی» می‌شود.

د. جرم انگاری با بیشترین بزه‌دیده: در صورت ارتکاب یک جرم معمولاً علاوه بر بزه‌دیده مستقیم افراد دیگر نیز متضرر می‌شوند و به نوعی بزه‌دیده واقع می‌گردند که جرم انگاری جامع باید به همه این افراد توجه کند تا بتواند حمایت همه جانبه از متضرران یا بزه‌دیدگان بکند.

۸. لزوم توجه به افکار عمومی

یکی دیگر از محدودیتهای عملی برای جرم انگاری یک رفتار میزان توافق اکثریت شهروندان به ممنوعیت آن است. این یک آرمان مردم سالارانه است که تا حد امکان حقوق باید مطابق ایده‌ها، نگرشها و عقیده‌های اگر نه همه مردم دست کم اکثریت شهروندان شکل بگیرد. علاوه بر این در مورد اخیر اجرای قانون اعتبار و مشروعیت خود را از هماهنگی با

^۱ - شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، ویژگی‌های جرم انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر، نشریه راهبرد، ش ۵۸، بهار ۱۳۹۰، ص ۲۹۵.



«درک عمومی از دولت» به دست می‌آورد؛ کتاب قانون بدون داشتن ریشه‌ای عمیق در روح مردم و آداب و رسوم رایج و اصیل به یک بیر کاغذی تبدیل می‌شود.^۱ برای اینکه قوانین موضوعه در کشوری دوام داشته باشد و مورد احترام و عمل قرار گیرد، باید با انتظارات عمومی مردم یعنی سنتها، شرایط فرهنگی، آداب و رسوم و سایر عوامل اجتماعی هماهنگ و سازگار باشد. به تعبیر برخی از اساتید، قانون وقتی جایگاه قاعده حقوقی پیدا می‌کند و به نظم حقوقی منجر می‌شود که حس درستی آن دامنگیر شود و همگان اعم از شهروندان عادی و حقوق دانان نسبت به درستی آن یقین داشته باشند.^۲ در کتب فلاسفه حقوق کیفری «معیار مقبولیت و فرض هم نوائی و پذیرش» که به عنوان یکی از معیارهای جرم انگاری ذکر شده است اشاره به همین مطلب دارد.

نتیجه گیری

احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند و ارتکاب حرام و ترک واجب جرم محسوب می‌شوند. فقها، معیارهای جرم انگاری در اسلام را در قالب پنج مصلحت دین، جان، عقل، ناموس و نسل و اموال مردم مطرح نموده‌اند و این پنج مصلحت را از اهداف تحریم و ممنوعیت اعمال دانسته‌اند و بر همین اساس، هر عملی که به یکی از این مصلحتها آسیب برساند جرم محسوب می‌گردد؛ از این رو، زنا و اعمال منافی عفت جهت حفظ و بقای نسل و ناموس؛ قتل به دلیل تعرض به جان؛ سرقت و امثال آن به دلیل تعرض به مال مردم؛ شرب خمر و سایر مسکرات به دلیل مخدوش ساختن عقل و هوش انسانها و بلاخره ارتداد به دلیل تعرض به حریم عقیده و مکتب و هرج و مرج در اعتقادات افراد جرم به حساب می‌آید.^۳

^۱ - حبیب زاده، محمد جعفر و امیر حمزه زینالی، در آمدی بر برخی محدودیتهای عملی جرم انگاری، نامه حقوقی، ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۹.

^۲ - کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸.

^۳ - جهت اطلاعات بیشتر رک: فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، ج ۱، چ ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۷۳-۷۹. همچنین رک: دهقان، حمید، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، قم، انتشارات مدین، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹.



اصل کلی در نظام کیفری اسلام این است که اجرای تعزیر (مجازات) جز درباره معصیت، یعنی عملی که بذاته و به وسیله نصّ تحریم شده، ممکن نیست؛ ولی در صورتی که مصلحت عمومی ایجاب کند، اسلام اجرای تعزیر را در مواردی که نصّی بر تحریم آن بذاته وارد نشده جایز می‌شمارد.^۱ بنابراین وصفی که سبب تجریم افعال و حالات و در نتیجه تعزیر مرتکبان آنهاست، زیان رساندن به مصلحت یا نظم عمومی می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، زیان فردی باید برای دفع زیان عمومی تحمّل گردیده و زیان سنگین تر با زیان سبکتر دفع شود. مجوز پذیرش این نوع جرم انگاری در نظام اسلامی، ضرورت‌های اجتماعی است؛ چرا که حمایت از نظم و مصالح عمومی جامعه، مستلزم وجود نصوص انعطاف پذیری است که به همه زمانها و شرایط و احوال سازگار باشد و هیچ چیز برای نیازهای جامعه، انعطاف پذیرتر و سازگارتر از معیار فوق نمی‌باشد.^۲ در واقع در نظام کیفری اسلام بر خلاف حرام انگاری، «جرم انگاری مقوله ای حکومتی است با هدف حفظ و تامین مصالح عمده و نظم عمومی و دفع مفسد مهمه فردی و اجتماعی که می‌تواند قلمرو محدودی از رفتارها را در حد «ضرورت» در برگیرد.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - عوده، عبدالقادر، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، ج ۱، چ ۱، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷ به نقل از نجفی توانا، علی، همان، ص ۱۶۱.

^۲ - عوده، عبدالقادر، همان، ص ۲۰۲.



منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه، امام علی، ترجمه حسین انصاریان، چ ۹، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۰.
۳. احمدوند، محسن، جرایم امنیتی در فقه، چ اول، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۵. استفانی، گاستون و ژرژ لواسور، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۶. بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی: تحولات مفهوم حالت خطرناک، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
۷. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، در آمدی بر حقوق اسلامی، ج ۱، انتشارات سمت.
۸. تسلیمی، محمد سعید، تحلیل فرایندی خط مشی گذاری و تصمیم گیری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۹. حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۱۰. حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه و افساد در حقوق جزای اسلام.
۱۱. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، چ اول، با همکاری انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۱۲. خمینی، روح الله (امام)، تحریر الوسیله، دو جلدی، چ دوم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۱۳. دلماس مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی بربندآبادی، ج اول، چ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۱.
۱۴. دهقان، حمید، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، قم، انتشارات مدین، ۱۳۷۶.
۱۵. سالاری، مهدی، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه امنیت کشور، چ اول، تهران، انتشارات میزان، زمستان ۱۳۸۷.

۱۶. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه آسایش عمومی)، جلد سوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
۱۷. شمعی، محمد، درآمدی بر جرم انگاری و جرم زدایی، چ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (علامه)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸، مدرسین قم.
۱۹. قیاسی، جلال الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، چ اول، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

